



جنبش کارگری

www.KetabFarsi.com

فهرست

- ۱ توضیح _____
- ۲ مقدمه _____
- ۶ مختصری از جنبش کارگری در سال ۵۸ —
- جنبش کارگری در سال ۵۹
- الف - روند جنبش کارگری پیش از جنگ — ۱۲
- یورش و حشیاننه بشوراها — ۱۵
- ب - روند جنبش کارگری پس از آغاز جنگ — ۲۵
- مبارزات کارگران مجدداً گسترش می یابد — ۲۷
- اوج یابی و گسترش مبارزات کارگران — ۳۳
- تحلیل از جنبش کارگری در سال گذشته
- فعالیت مبارزاتی طبقه کارگر — ۴۰
- ذهنیت حاکم بر طبقه کارگر — ۴۳
- یک جمع بندی کلی — ۴۸

توضیح:

در سالی که گذشت جنبش طبقه کارگر میهنان عمدتاً بطور خود بخودی و در ابعادی گسترده جریان یافت. در سال گذشته روند پیشرونده و قدرتمند جنبش کارگری در شرایط موجودیت یافت که پرولتاریا فاقد ستاد رزمنده و رهبری کننده خود یعنی حزب طبقه کارگر میباشد. در چنین شرایطی ارتقاء جنبش خودبخودی به جنبش آگاهانه و سراسری کردن این جنبش تلفیق سوسیالیسم با جنبش کارگری و گام برداشتن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر هدایت جنبش در راستای وظایف مشخص و آنی و نیز وظایف تاریخی جنبش در جهت نابودی نظام سرمایه‌داری و محور استثمار و بهره‌کشی بمثابة یکی از مهمترین وظایف پیشرو بشمار میرود. اما برای حرکت در این سمت و سو و اتخاذ تالیتهای پرولتاریائی شناخت عینی و علمی از جنبش کارگری، جایگاه آن در جنبش توده‌ای، اشکال مبارزات کارگران، خواسته‌های آنان و چشمانداز این مبارزات ضروری است. با درک این ضرورت است که ما میکوشیم در حد توان خود این امر را به انجام برسانیم. ابتدا پس از مقدمه‌ای کوتاه نگاهی مختصر به جنبش کارگری در سال ۵۸ داشته و پس از آن به بررسی جنبش کارگری در سال ۵۹ و بالاخره تحلیلی از این جنبش

میدانیم. باشد که با ارائه چنین تحلیلهایی و همچنین نقد و بر-
رسی این تحلیل از سوی سایر سازمانهای کمونیستی گامهای خوشتر
را در راه پیوند با طبقه کارگر استوارتر سازیم.
(سازمان چریکهای فدائی خلق ایران)

www.KetabFarsi.com

" برای کارگران آگاه وظیفه‌ای مهتر از
درک جنبش طبقه خویش، ماهیت آن، هدف
و وظایف آن، شرایط و شکلهای هلی آن
نیست. زیرا تمام نیروی جنبش کارگری
بسته به درجه آگاهی و جنبه توده‌ای آن
است." (لنین).

مقدمه:

رشد سرمایه‌داری در ایران بعنوان يك کشور تحت سلطه به
شکل گیری و رشد طبقه کارگر انجامید. خصوصیات و قشرینسدی
طبقه کارگر در ایران چنانست که فقط اقلیت کوچکی از طبقه
را پرولتاریای صنعتی تشکیل میدهد. این بخش از طبقه کارگر
ایران علاوه بر اشتغال در صنایع سنگین از قبیل نفت و گاز، ذوب
آهن، آلومینیوم و غیره در قطبهای صنعتی جدید که عمدتاً در طول
دهه ۵۰ بوجود آمد (شهرکهای صنعتی) تمرکز یافته است.
بخش اعظم طبقه کارگر در واحدهای تولیدی کوچک و همچنین
در رشته‌هایی چون راه و ساختمان خدمات و غیره که همراه با
رشد سرمایه‌داری تکوین یافته است، به فعالیت اشتغال دارد.
ترکیب درونی طبقه کارگر جوان ایران را غالباً کارگرانی تشکیل
میدهند که رشد سرمایه‌داری وابسته به امپریالیسم و توسعه سرمایه-
گذارهای امپریالیستی مهاجرت آنانرا از روستا به شهرها سبب

گردد است. بدون تردید گسیل این نیروها در درون طبقه باعث رشد کثرت طبقه گردید. اما در عین حال وجود چنین نیرو-هایی بدون آگاهی به منافع طبقاتی خود در صفوف طبقه کارگر باعث شده است که پرولتاریا دارای رشد کیفی متناسب با رشد کثرت خود نگردد.

یک بررسی عمومی از جنبش کارگری نشان میدهد که در سال های خفگان بدلیل مجموعه شرایط اجتماعی و اقتصادی و سیاسی مبارزات اقتصادی-سیاسی طبقه کارگر به ماههای گذشته افسوسناک چشمگیر داشته و طبقه کارگر از سازمان‌یابی‌های طبقاتی خود بی‌خودار نبوده است.

رشد تضادهای عینی در اواخر سالهای دیکتاتوری و سرانجام بحرانی شدید از سال ۵۰ نیروهای اجتماعی وسیعی را در جامعه ایران بحرکت در آورد. اگر چه بدلیل موقعیت و وضعیت نیروهای اجتماعی در آن مرحله از جنبش عمق یابی تضادها و تشدید بحران اقتصادی و بموازات آن بحران سیاسی ابتدا خردمبورژوازی شهری در صف مقدم مبارزه قرار گرفت اما روند عینی مبارزات طبقه کارگر نشان میدهد که این طبقه عمدتاً پس از اوجگیری جنبش از ۱۷ شهریور حضور چشمگیری در جنبش نوده‌های داشته است.

جنبش اعتصابی کارگران در آغاز سال ۵۷ که بر سر برخی خواسته‌های اقتصادی شکل گرفت، از ۱۷ شهریور همراه با اوجیابی

مبارزات توده‌ای تحولی کیفی یافت و به تدریج به اعتصابات همگانی
تکامل پیدا کرد. از آن جمله است اعتصاب یکپارچه و متحد نفت-
کران که نقش ویژه‌ای در سرنگونی رژیم شاه داشت.

اما با اینهمه بدلیل وضعیت عینی نیروهای طبقه کارگر در این
مرحله از جنبش و بعوازت آن فقدان عوامل ذهنی که خود را در
معروضیت طبقه از سازمانیابیهای واقعی طبقاتی و نیز حزب طبقه
کارگر نشان می‌دهد در تمامی پروسه مبارزات قبل از قیام، جنبش
کارگری از هیچگونه هویت مستقل طبقاتی برخوردار نگشت. اما بدون
شک طبقه کارگر ایران در جریان قیام تحارب فراوانی آموخت. قیام
در واقع میدان کارآموزی مستقیم توده کارگران بود. طبقه کارگر
در جریان قیام تا حد زیادی به عظمت قدرت خویش پی برد
استعدادهای خود را باز شناخت و افق دید خویش را وسعت
بخشید. اری قیام در نسب آگاهی طبقاتی، تجربه و قاطعیت طبقه کار-
گر سهم بسزائی داشت.

مختصری از

جنبش کارگری در سال ۵۸

رژیم شاه سرانجام همراه با موج عظیم اعتصابات توده‌ای، تظاهرات، اعتصابات و بالاخره قیام مسلحانه سرنگون شد. طبقه کارگر در این سرنگونی هر چند فاقد صف مستقل طبقاتی خود بود، لیکن نقش تعیین کننده ای بعهده داشت. پس از قدرتگیری ارگان سازش، از ۲۸ بهمن ماه با فرمان خمین، کارخانه‌ها ملزم به ادامه تولید میگردند. کارگران بسر کار باز میگردند، اما از آنجا که قدرت حاکم نه حمایت از منافع و خواستهای تاریخی کارگران، بلکه پاسداری از منافع سرمایه‌داران را بعهده گرفته است، روند مبارزات طبقه کارگر همچنان ادامه می‌یابد.

مبارزات طبقه کارگر در یکسال پس از قیام روند گسترده‌ای داد. در این مبارزات تجارب گرانبهایی برای طبقه کارگر ایران بهمراه داشت. کارگران در مبارزات روزمره خویش بتدریج از بند نوهشمان نسبت به حاکمیت رها میگردند و نطفه‌های حرکت مستقل آنها تشکیک میگیرد. اشکال مبارزه تکامل مییابد. بدین ترتیب آگاهی طبقاتی کارگران ارتقا مییابد. برای ترسیم این وضعیت بطور مختصر مبارزات طبقه کارگر، اشکال، خواستها و ذهنیت حاکم بر کارگران را در یکسال پس از قیام بر میسریم:

نطفه‌های تشکیل شعراها که قبل از قیام شکل گرفت و خود را در تشکیل شعراهای نفت، راه آهن، توانیر، رزم، و غیره نشان داد پس

از قیام با تشکیل شورا در اغلب کارخانجات گسترش می‌یابد. طبقه کارگر با بی‌اعتقادی به تشکلهای زرد و فرمایشی دوران رژیم شاه و بنا به ضروریات و نیازهای این مقطع سازمانیابی جدیدی را بکار میگیرد. سیر حرکت روشنفکران به سمت کارخانه‌ها با استفاده از شرایط نسبتاً دمکراتیک عاملی تسریع کننده و مساعد در ایجاد این تشکلهای بشمار میرود. شوراها پیگیرانه خواستههای اقتصادی-سیاسی را پیش میبرند. آنها در این مقطع ارکان‌های اعمال اراده توده کارگران در کارخانه‌ها میباشند. وحدت منافع کارگران و عامل آگاهی در برخی مناطق اشکال عالیتروی از تشکیک و وحدت کارگران را بنمایش میگذارد نظیر اتحاد شوراها در تبریز و...

بحران اقتصادی، فرار سرمایه‌داران، سرنگونی رژیم شاه و تعرض توده‌ها به نظم بورژوازی بسیاری از کارخانه‌ها را به تعطیل کشانده و پروژه‌های ساختمانی و صنعتی را متوقف میسازد. ازاینرو پس از قیام مبارزات کارگران حول محور بازگشایی، راه‌اندازی و بازگشت کارگران به کارخانه‌ها و دریافت حقوق معوقه اوج میگیرد. در برخی کارخانجات که سرمایه‌داران آنها فرار کرده‌اند شوراها با کنترل کارخانه و بکار انداختن آن قدرت خویش را به عینه به نمایش میگذارند. بسیاری از کارگران اخراجی در دوره رژیم شاه به کار باز میگردند. اخراج افراد ضد کارگر و مزدور محور دیگری از مبارزات کارگران در این دوره است. در این رابطه بیکاران نیز به مبارزه‌ای گسترده روی می‌آورند. آنها در مبارزات خویش بسیار سریع به روبرویی با حاکمیت کشانده میشوند.

موج تظاهرات و تحصنها و غيره حاکميت را مجبور مي سازد که به بیکاران، حقوق بیکاري بپردازد. شکل عمده مبارزات در اين دوره تحصن است.

طبقه کارگر در اول ماه مه سال ۵۸ با شرکت وسيع در تظاهرات روز جهاني کارگر وحدت جهاني طبقه را به نمايش مينماید. شرکت هزاران کارگر در تظاهرات نيروهاي کمونيست جلوه‌اي از آگاهي کارگران و نشاني از نطفه‌هاي صف مستقل پرولتاريا بشمار ميرود. مبارزات پراکنده کارگران همچنان ادامه يافته و به رودروشي آشکار با حاکميت منجر ميگردد. در خرداد ماه خواست عمومي ۴۰ ساعت کار طبقه کارگر را هر چند بشکل پراکنده، اما گسترده وارد ميدان ميکند. شکل عمده مبارزات در ايندوره از تحصن به اعتصاب بدل ميگردد.

با آغاز سرکوب وحتيانه خلق کرد و يورش به سازمانهاي سياسي و آزاديهاي ديمکراتيک جنبش کارگري افت موقتي ميبابد. ليکن از مه‌ماه مبارزات کارگران مجدداً اوج ميگيرد. با قطع حقوق بیکاري بار ديگر تظاهرات بیکاران گسترش ميبابد. با اشغال سفارت اگر چه از يکسو مبارزه اقتصادي پرولتاريا کمونک شده و فروکش ميکند اما از سوي ديگر با سياسي شدن جو جامعه طبقه کارگر عمدتاً و وسيعاً به مبارزه سياسي روي ميآورد. در اين مبارزه جناحی از حاکميت طبقه را بدنبال خود ميکشد. کارگران وسيعاً تحت رهبري

جناحی از بورژوازی و خرده‌بورژوازی سازشکار در تظاهرات شرکت میکنند. اما نطفه‌هایی از حرکت مستقل طبقه نیز در همین مقطع عینیت دارد، همچون تظاهرات سازمان یافته از سوی اتحادیه‌شوراهای سازمان‌های گسترش و یا کانون شوراهای شرق تهران. در همین زمان روند مبارزات کارگران با تقویت تشکلهای شورائی و تقویت موضع ضد سرمایه‌داری گسترش یافته و در ادامه خود حرکاتی چون صادره سرمایه‌های امپریالیستی به‌مراه دارد. بدین ترتیب کارگران بی‌اعتبار نسبت به مبارزه باصطلاح ضد امپریالیستی حاکمیت، خود به اقدام مستقیم روی می‌آورند، که در این پروسه مبارزاتی حاکمیت را مقابل خویش می‌یابند.

از دی ماه بتدریج از اعتبار نا آگاهانه طبقه نسبت به حاکمیت بطور چشمگیری کاسته میشود، نطفه‌های عدم اعتبار و اعتراض آگاهانه گسترش می‌یابد. مبارزات طبقه کارگر سیر پیشرونده‌ای آغاز میکند. در طول بهمن و اسفند مبارزه حول سود ویژه اوج بیسابقه‌ای یافته و افزایش قدرت شوراهای و تقویت آنها نتیجه این مبارزات می‌باشد. مبارزه سراسری حول سود ویژه ضرورت عینی وحدت شوراهای را پدید آورده و از این کانال اتحاد عطفی آنها صورت می‌گیرد. در این رابطه اتحاد شوراهای گیلان متشکل از بیش از ۳۰ کارخانه شکل می‌گیرد... شوراهای در اواخر سال ۵۸ نقش برجسته‌ای در مبارزات کارگری داشته و رهبری غالب مبارزات را دارند.

بدین ترتیب جنبش خودبخودی طبقه کارگر با افت و خیزهایی در سال ۵۸ مجموعاً تکامل مییابد. در ابتدا مبارزات اغلب برای حفظ شرایط کار (بازگشائی کارخانه و ادامه تولید) شکل میگیرد. هر چند نبود مدیران و سرمایه‌داران در برخی کارخانجات، به کنترل کارخانه توسط شورا میانجامد. اما این حرکت از مضمی آگاهانه صورت نمیگیرد. شوراها در چنین شرایطی جایگزینی نظم نوین بجای نظم کهن وزیر ضرب بودن مناسبات سرمایه‌داری را از زاویه دید آگاهانه طبقاتی انجام نمیدهند. بلکه گاه حتی این عمل را به تصور اینکه مورد تایید خود دولت سرمایه‌داری نیز میباشد انجام میدهند. بتدریج کارگران در مبارزات خود با بهره‌گیری از تجارب خویش به مقابله با حاکمیت میپردازند. از این رو نامه‌نویستن، جمع‌آوری طومار مراجعه به افراد و ارگانهای دولتی که در ابتدا بسیار رایج بود دست زدن به "عمل مستقیم" نظیر اعتصاب و غیره بدل گشته و تکامل مییابد. کارگران دولت موقت برهبری بازرگان را بر بستر ادامه و تشدید بحران اقتصادی، برآورده نشدن خواستها و انتظاراتشان بکارگیری سرکوب و... مورد سؤال قرار داده و با آن به مخالفت میپردازند. سرکوب خلق کرد و پیروز به آزادیهای دمکراتیک از سوی رژیم جمهوری اسلامی و مقاومت خلق کرد و پیروزی نسبی آن این امر را تشدید میکند. تضادهای درون حاکمیت اوج گرفته و بدلیل پیوند نازل بس جنبش کمونیستی و جنبش کارگری، حزب جمهوری

اسلامی با کنار زدن لیبرالها توهم‌کارگران را بسوی خود بر می‌انگیزد . هر چند در همین مقطع جنبش کمونیستی پیوندهای بیشتری با جنبش کارگری برقرار کرده است، اما نمیتواند مانع این امر شود . لیکن سیر تحول اوضاع سیاسی در روند گشایش انقلاب و ضد انقلاب و تجارب ناشی از آن و ارتقاء آگاهی توده کارگران تغییراتی اساسی در ذهنیت طبقه پدید می‌آورد . با گذشت مدت کوتاهی تجربه و مبارزات کارگران زودرس شدن سریع اعتقاد کارگران به حزب جمهوری را نیز به همراه دارد .

مبارزات مستقیم کارگران گسترش یافته و بر بستر این عینیت رهنمودهای کمونیستها بیش از پیش در مبارزات طبقه کارگر مادیّت می‌یابد .

جنبش کارگری در سال ۵۹

الفـ روند جنبش کارگری
پیشتر از جنگ :

با شروع سال ۵۹ طبقه کارگر با تجاری فراوان و گرانبهار دیگر با میدان مبارزه میگذارد. کارگران در زندگی روزمره خویش با کسب آگاهی و تجربه در مبارزاتشان و در طول یکسال حکومت رژیم جمهوری اسلامی تا حدودی در یافته‌اند که راه کسب خواسته‌هایشان را باید در اتکاء به نیروی خود و عمل مستقیم و انقلابی جستجو نمایند. از اینرو از همان ابتدای سال و از اولین روزهای شروع کار در کارخانه‌ها مبارزات کارگری آغاز میگردد. این مبارزات در طول فروردین و اردیبهشت ماه بشکل خودبخودی و پراکنده جریان می‌یابد.

در کارخانه ایرداک و پشم و پتو در تبریز اعتصاب کارگران برای دریافت باقیمانده سود ویژه و تعطیلی پنجشنبه شکل میگیرد. کارگران کمتر طی برای ۴ ساعت کار در هفته دست به مبارزات میزنند آنها با عمل مستقیم با ترك كار مدیریت را به عقب نشینی و امیدارند در کارخانه ایران ناسیونال تعداد ۴۰۰ نفر از کارگران برای تعطیل پنجشنبه به تظاهرات در کارخانه میپردازند که به پیروزی می‌انجامد. کارگران انبارهای عمومی برای استخدام رسمی تحصن کرده و کارگران جنرال موتورز که خواهان طرح طبقه بندی مشاغل میباشند از خرج تولید جلوگیری می‌کنند هر چند که به نتیجه‌ای

نمیرسد. کارگران مبارز کارخانه سیخو با بکارگیری اشکال گوناگون مبارزه از جمله اعتصاب، سود ویژه را طبق طرح اتحاد شوراهای گیلان دریافت میکنند. کارگران صنایع فولاد در ادامه مبارزات پیگیرشان برای بازگرداندن کارگران اخراجی مبارز و اخراج افراد سر سوده و ضد کارگر و نیز ملی کردن صنایع فولاد به تظاهرات پر شکوهی در اهواز دست می‌زنند. در کارخانه توانس پیک کارگران یک مهندس ضد کارگر را اخراج می‌کنند مبارزه تا درگیری با ژاندارمری ادامه می‌یابد که با مقاومت یکپارچه کارگران به پیروزی میرسد. در چند کوره‌پزخانه نیز برای افزایش دستمزدها اعتصاباتی صورت می‌گیرد.

همچنانکه می‌بینیم مبارزات کارگران هر چند گستردگی مبارزات اسفند ماه را نداشته و افت پیدا کرده، اما هنوز نیز نسبتاً وسیع جریان دارد. البته بر خلاف اسفند ماه ۵۸ که خواست واحد و عمومی چون سود ویژه اعتصابات کارگری را بر می‌انگیزد، کارگران با مطالباتی گوناگون به مبارزه روی می‌آورند. دو روز تعطیل و ۱۰ ساعت کار در هفته، طرح طبقه بندی مشاغل عمده‌ترین مسئله در مبارزات کارگران بشمار می‌رود. اشکال مبارزه که کارگران در این مقطع بکار می‌گیرند عمدتاً اعتصاب، در کنار آن تحصن و نمونه‌هایی در جلوگیری از خروج تولید می‌باشد و ندرتاً اشکال قانونی مبارزه چون مراجعه به وزارت کار و غیره... بچشم می‌خورد.

در این مقطع بشکلی عمده کارگران شوراهای توده و رهبری
اغلب مبارزات را شوراهای انقلابی بعهدہ دارند. با توجه به
نقش شوراهای در پروسه مبارزات کارگران و بخصوص تقویت آنها در او-
آخر سال پیش این ارگانها می‌توانند بیش از پیش در میان کارگران
پایگاه توده‌ای کسب کرده و اعتبار بیابند و در مجموع قدرت شوراهای
افزایش می‌یابد.

مجموعه مبارزات کارگران و اشکال مبارزاتی آنها خود بیانگر
ذهنیت کارگران در این مقطع نسبت به حاکمیت می‌باشد.
در واقع توده کارگران در بطن تحولات جامعه در پروسه مبارزات
شان و با کسب تجربه و آگاهی تا میزان معینی به ماهیت حاکمیت
کارگری حاکمیت و بخصوص حزب جمهوری اسلامی، با توجه به عمل-
کرد گسترده آن می‌برده و بیش از گذشته از آن روگردان میشوند.

یورش و حتی‌بانه به شوراها:

درچنین شرایطی است که مبارزه جوش کارگران به‌راه مبارزات گسترده سایر اقلتار و خلقها، ادامه بحران اقتصادی و . . . رژیم را به بکارگیری سیاست سرکوب لگام گسیخته وامیدارد. یورش گسترده به آزادیهای دموکراتیک در اردیبهشت ماه با طرح حزب جمهوری اسلامی مبنی بر بستن دانشگاهها و سرکوب دانشجویان آغاز می‌گردد. بنی صدر پرچمدار این حرکت سرکوبگرانه گشته و توده‌ها ناگاهانه را به خیابانها میکشاند.

این حرکت از همان ابتدا علاوه بر مقابله کارگران پیشرو بسا مخالفت عده‌ای از کارگران میانی مواجه میشود. توده کارگران اغلب بدین لحاظ مخالفت خود را آشکارا نشان نمی‌دهند که تبلیغات پر سر و صدای حاکمیت که کمونیستها مانع سر و سامان یافتن اوضاع و تثبیت دولت شده‌اند، آنانرا می‌فریبد. اما با گذشت زمانی کوتاه ماهیت این حرکت را برای توده کارگران نیز آشکار میسازد.

بدنبال یورش وسیع به آزادیهای دموکراتیک، حمله سازمان یافته و گسترده به شوراها آغاز میگردد. جو اختناق در کارخانه اوج می‌گیرد. انجمنهای اسلامی بیشتر از پیش در پیشبرد سیاستهای ضد دموکراتیک و ضد کارگری فعال میشوند.

موج اخراج کارگران آگاه و پیشرو آغاز میشود. و در مواردی

پاسداران برای سرکوب شوراها و توده کارگران وارد میدان میشوند . بدینترتیب از اردیبهشت یورش گسترده رژیم اسلامی به شوراها شروع میشود .

شوراها در تبریز اولین هدف رژیم قرار میگیرند . در کارخانه ماشین سازی اطلاعاتی بوسیله افراد وابسته به انجمن اسلامی و با نام " کارگران پیرو خط امام " و با محتوای حمله به شورای کارخانه پخش میشود . پس از آن عده محدودی در کارخانه علیه شورا راه پیمائی می کنند و بدنبال آن پاسداران به همراه دادستان انقلاب به کارخانه یورش برده و دفتر شورا را مهروموم می نمایند . در پی این حرکت یورش به شوراها تراکتورسازی ، لیفت تراک ، پمپیران و کمپسدرو نیز سازمان می یابد که در پروسه های به انحلال آنها می انجامد . در تمام کارخانجات زمینه عینی اعتراض وجود داشته و کارگران به این عمل معترض بودند ، بطوریکه مقاومت های پراکنده ای نیز صورت میگیرد . لیکن درست در همین مقطع اپورتونیزم راست حاکم بر سازمان که کاملاً " خود را نمایان ساخته ، با سیاست سازش طبقاتی به عاملی مهم در جلوگیری از حرکت کارگران بدل میشود . بدین ترتیب " اکثریت " با اولین گامهای کاملاً آشکار و عملی خود ، با موضعگیری سیفستی در برابر این یورش ، عملاً " کارگران پیشرو را خلع سلاح ساخته و مانع تبدیل اعتراضات پراکنده به مبارزهای یکپارچه و وسیع در مقابل سرکوب دستاوردهای دمکراتیک قیام گشته و توده کارگران را به مسلخ

بورژوازی میکشاند .

بهره‌گیری از زمینه عینی اعتراض سازمان دادن مقاومت‌های پراکنده و ارتقاء آن حتی در يك کارخانه بيشك سبب گسترش آن در سایر کارخانجات و ضابطه گردیده و به رشد ^{تدریج سیاسی} پرولتاریا و ارتقاء آگاهی طبقاتی و انجامیده در چنین شرایطی حتی اگر به سبب عطف کردن تناسب قوای طبقاتی ضد انقلاب موفق به سرکوب شوراهای می‌گردید، کارگران در پروسه بعدی مبارزاتشان هر چه سریعتر به تشکیل شوراهای پرداخته و کلاً شوراهای نیز از موضع انقلابی‌گری برخوردار می‌گشتند اینچنین است که بی‌اعتقادی اپورتونیسیم راست به توده‌ها، بند و بست با حاکمیت نفتی مبارزه طبقاتی و عدم باور به قدرت دوران ساز طبقه کارگر ضربه سنگینی بر مبارزات پرولتاریا وارد می‌آورد .

در پی حمله به شوراهای کارخانجات تبریز اتحاد شوراهای در گیلان آماج بعدی ارگانهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند و از هم پاشیده می‌شوند . مقاومت توده کارگران بخصوص کارگران مبارز کارخانه پوشش بدلیل فقدان مقاومت متحدانه شوراهای و ... غیره راه بجائی نمیرد .

شورای عالی صنایع دفاع شوراهای سازمان گسترده و نوسازی کشور، کانون شوراهای شرق شوراهای صنعت نفت اهواز شوراهای راه آهن تبریز و ... غیره با توطئه‌های نوناگون به روشهای مختلف و با به کارگیری شیوه سرکوب مورد تهاجم قرار گرفته و تعدادی منحل و

یا زرد میگردند. حملات به تشکلهای انقلابی دیگر در کارخانجات نیز صورت می‌پذیرد. از جمله سندیکای انقلابی کارخانه ساکاو... غیره منحل میگردند.

رژیم جمهوری اسلامی همراه با سرکوب شوراهای سیاست از محتوای انقلابی نهی کردن شوراهای و ایجاد شوراهای زرد و فرمایشی را نیز در پیش میگیرد. حزب جمهوری اسلامی با تمرکز نیرو و تقویت "کانون هماهنگی شوراهای اسلامی" این امر را پیش میبرد. در همین مقطع بنی‌صدر رئیس جمهور با سیاست "شورا بی شورا" عملاً دشمنی خود و دیگر لیبرالها را با کارگران و منافع خواستها و تشکلهای انقلابیشان به نمایش گذاشته و در کنار حزب جمهوری رو در روی طبقه کارگر قرار میگیرد.

سران رژیم به خیال خویش قصد داشتند با این تهاجم سازمان یافته و گسترده جنبش کارگری را دچار رکودی طولانی ساخته و بسه عبارتی کاملاً انقلاب را به شکست بکشانند. لیکن بر بستر ادامه و تشدید بحران اقتصادی و نیز بحران سیاسی مبارزات کارگران با استفاده از تجارشان هم چنان ادامه می‌یابد. این مبارزات هر چند پراکنده و بدون پیوند سراسری، اما بشکلی گسترده ادامه می‌یابد. آمار ثبت شده از مجموعه اعتصابات و اعتراضات طبقه کارگر در طول ماههای خرداد، تیر، مرداد و شهریور به روشنی نشان میدهد که مبارزه وسیعاً "حریان داشته" و در طول ماههای مرداد و

شهریه گسترده تر میگردد. بدین ترتیب پیشتر از شروع جنگ ارتجاعی بین
 دولتهای ایران و عراق با مبارزات رو به اعتلای کارگران روبرو هستیم،
 در کنار یورش سراسری به شهرها و انحلال آنها موج وسیعی
 از اخراج کارگران پیشرو آغاز میشود. انجمنهای اسلامی در پیشبرد
 این امر بیشترین نقش را بعهده میگیرند. از این پس شکاف بین این
 انجمنها و توده کارگران بسیار عمیق گشته و آنها بخواه ارگانهای
 سرکوبگر رژیم خود را در کارخانه ها نمایان میسازند. اما توده کار-
 گران به مقابله با اخراج میپردازند. از این پس مبارزات دموکراتیک
 کارگران برای بازگرداندن کارگران آگاه و پیشرو و مقابله با اقدامات
 ضد دموکراتیک و ارتجاعی انجمنهای اسلامی همواره بخشی از مبارزه
 طبقه کارگر را تشکیل میدهد. کارگران اشکال گوناگون مبارزه را در
 پیشتر میگیرند، ولی بطور کلی در بازگرداندن اخراجیها کمتر موفق هستند.
 کارگران شرکت لایکو در لاون، کارگران کارخانه ^{سپهان} آری و پوشش رشت
 در اعتراض به اخراج کارگران پیشرو از صدور قطعنامه تا تهدید به
 اعتصاب به مقابله میپردازند. کارگران مبارز ایرپسلان در اهواز دست
 به اعتصاب میزنند. در کارخانجات صنایع دفاع از جمله باطریسازی و
 صنایع هواپیمائی، پنجاه پارچین و... و بسیاری دیگر از کارخانهها
 کارگران به اشکال گوناگون به مبارزه برای بازگرداندن کارگران اخراجی
 روی می آورند. در کارخانه گندک نیز کارگران با عمل مستقیم ۲۶
 کارگر مبارز اخراجی را بکار باز میگردانند که با دخالت پاسداران

سرمایه این حرکت به شکست می‌انجامد. در تبریز در کارخانجات ماشین‌سازی و تراکتور سازی و لیفت تراک و کپی‌درو به اشکالی گوناگون از جمع‌آوری طومار تا تظاهرات در خیابانها توده کارگران حمایت خویش را از دوستان مبارز اخراجیشان اعلام داشته و خواستار بام‌زگشت آنها بسر کار میگردند و..

تداوم بحران اقتصادی عدم سوددهی و.. سرمایه‌داران و دولتشان را به تعطیل پاره‌ای شرکتهای ساختمانی وایدارد. اما کارگران که در برابر این عمل تنها فقر و گرسنگی را رویاروی خویش می‌بینند در مقابل با آن به مبارزه می‌پردازند. در خوزستان کارگران پرسینویس و کیلدرستان، عمرانی و ساختمانی شهرداری مسجد سلیمان، در اصفهان کارگران ساختمانی پلی‌اکریل و شرکت گسترش مسکن، در شیراز کارگران شرکت‌های زمینه، گاما و شاتون به اشکالی متنوع از تظاهرات، تحصن، گروگانگیری مدیر و.. مبارزه برای جلوگیری از تعطیلی کار و اخراج دسته‌جمعی را پیش می‌برند.

در ایندوره کارگران هر چند محدود شکل دیگری از مبارزه یعنی اخراج مدیران و کنترل کارخانه را نیز بکار می‌گیرند. این شکل که در ابتدای قیام بعثت فرار مدیران و سرمایه‌داران بکار گرفته می‌شده با هدف دیگری یعنی کنار گذاشتن آنها در موارد معهودی در مبارزت کارگران دیده میشود. اما عموماً این حرکت پهن از مدت کوتاهی با یورش وحشیانه رژیم مواجه شده و به شکست می‌انجامد. تجربه

مبارزات کارگران و وضعیت عینی و ذهنی نشان می‌دهد که مجموعه شرایط برای پیروزی این تاکتیک مناسب نبوده است.

در تهران کارگران کارخانه ناظمی و صنایع الکتریکی البرز به مبارزه علیه مدیریت پرداخته و با اخراج مدیر خود کنترل کارخانه را در دست میگیرند. در اصفهان در کارخانجات صنایع پشم و دیسپان کارگران با اخراج مدیر کنترل را بدست گرفته لیکن در تعاض این موارد حرکت کارگران به نتیجه‌ای نرسد. در کارخانه ترانس پیک تهران کارگران مبارز خواستار اخراج یک مدیر گشته و با اتحاد مبارزاتی خویش موفق به تحقق آن میگردند.

۴ ساعت کار و دو روز تعطیل محور دیگر بخشی از مبارزات کارگران را تشکیل میدهد. در کارخانه ری-او-واک قزوین، نوافرم، ترانس پیک، ارج در تهران و توشیای رشت کارگران با اقدام مستقیم به ۴ ساعت کار جامعه عمل می‌پوشانند. در صنایع الکتریکی البرز و کارخانه پارس منال در رابطه با ۴ ساعت کار و دو روز تعطیل اعتراض و مبارزه گسترده‌ای در میگیرد.

در شهر ریو لغو قانون سودویزه و تقلیل آن به دو ماه پاداش از سوی رژیم مورد اعتراض تمام کارگران قرار میگیرد ولی حرکت سراسری بر نمی‌انگیزد. کارگران صنعت چاپ طی تظاهراتی مخالفت خود را با لغو قانون سودویزه اعلام داشته و نواهان شرکت نمایندگان کارگران در تدوین قانون کار میشوند. کارگران گروه صنعتی بهشهر، فیات، روغن

نیاتی جهان و گروه صنعتی سایبا در تهران برای دریافت سود ویژه به مبارزه میپردازند .

همچنین مبارزه برای افزایش دستمزدها و تحت عناوینی چون طرح طبقه بندی، حق تولید و... بشکلی پراکنده جریان دارد . در مورد سوزسازی قزوین کارگران برای اجرای طرح طبقه بندی دست به اعتصاب زده و تهدید به جلوگیری از خروج تولید می کنند . در ایران گاز ابادان کارگران پس از مبارزهای پیگیر برای اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و دریافت سود ویژه به برخی خواسته هایشان میرسند . کارگران واحد استاندارد کفش طی پس از اعتصاب و تهدید به جلوگیری از خروج تولید حق تولید را بدست می آورند و...

مبارزات پراکنده در دیگر کارخانجات نیز همچنان ادامه می یابد . کارگران مبارز شرکت طرح و توسعه تلفن و رادیو شهاب برای دریافت حقوق عقب افتاده شان مبارزه می کنند . کارگران رادیو شهاب با تحصن و جلوگیری از خروج تولید موفق میگردند که سرمایه دار را به وارد کردن مواد خام وارد نموده و از تعطیل کارخانه جلوگیری نمایند . کارگران آر-دی-آی و سازمان آب به تحصن و اعتصاب پرداخته و کارگران شرکت ساختمانی موج برای حق مسکن در اداره کار دست به تحصن زده که به نتیجه ای نمیرسد .

بطور کلی این ترسیمی از روند جنبش کارگری در این دوره می باشد . اما آنچه که در این پروسه در مبارزات کارگران مشاهده می -

شده مبارزات خود بخودی و غالباً فاقد تشکل انقلابی میباشد. در واقع پس از یورتر رژیم به شوراهای انقلابی و اجرای سیاست زود کردن شوراهای کارگران تا حد زیادی از این تشکل انقلابی خود برخوردار نیستند. هر چند که در تداوم و اوج گیری هر مبارزه‌ای زمزمه‌های تشکیل شورا و ضرورت آن از سوی کارگران مطرح میگردد.

عامل دیگری که در این دوره بیش از گذشته خود را نشان میدهد "سرلوب" است. از آنجا که رژیم دیگر به آسانی قادر به فریب نوده کارگران نیست، پاسداران را بیش از گذشته و بسیار سریعتر وارد مقابله با مبارزات کارگران می‌کند. در کارخانجات آلومین، پارس، مثال، دیسمان و بسیاری از کارخانجات پاسداران به سرلوب وحشیانه کارگران می‌پردازند.

و بالاخره ناتوانی حالیت در حل بحران اقتصادی و فشار روز-افزون بر توده‌ها، برآورده نشدن انتظارات و خواست‌های آنان و سر-کوب مبارزاتشان شدید پروسه بریدن توده‌ها از رژیم و سرانشر را بدنبال دارد. اقدامات ارتجاعی و ضد دمکراتیک انجمنهای اسلامی در کارخانه‌ها نفرت کارگران را برانگیخته و به‌مراه اقدامات ارتجاعی و ضد کارگری حزب جمهوری اسلامی در سطح جامعه کاملاً حزب را نزد توده‌ها بی اعتبار میسازد. بازرگان و دارودسته‌اش بدلیل عمل-کرد گذشته و شناخت تجربه توده‌ها از آنان هیچ بایگامی در میان طبقه نداشته‌ولی بنی‌صدر به علت مخالفتش با حزب و سیاستهایش